

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۵۸۴۸۸۲۴۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

بررسی جرم ترور و تروریسم

از منظر نظام حقوقی داخلی و نظام حقوقی بین المللی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۲۶)

دکتر مظاهر خواجهوند^۱

طیبه رضایی شورکی

چکیده

جرم ترور و تروریسم یکی از جرایمی می باشد که هم در نظام حقوقی داخلی و هم نظام حقوقی بین المللی جرم انگاری شده است و سیاستهای جنایی تقنینی و قضایی و مشارکتی مناسب در خصوص آن اتخاذ شده است. این جرم دارای انواع و اقسامی است و سطوح مختلف دارد. در این پژوهش در نظر داریم با شیوه توصیفی تحلیلی به تحلیل و بررسی اطلاعات بدست آمده از روش کتابخانه ای و ابزار فیش برداری بپردازیم و ارکان این جرم و مجازات آن را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: ترور، تروریسم، نظام حقوق داخلی، نظام حقوقی بین الملل

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

بزرگترین خطر برای صلح و امنیت ملی و بین‌المللی شمرده می‌شود. این پدیده به سبب پیوند آن با تکنولوژی‌های تازه به یک مشکل راهبردی تبدیل شده و سبب شده است گروه‌های کوچک اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در پهنه بین‌المللی تبدیل کند. امروزه خطر تروریسم در اشکال و سطوح مختلف تمام کشورها و نظام‌های سیاسی جهان را در معرض خطر قرار داده و هیچ سرزمینی از تهدید تروریسم در امان نیست. هدف پژوهش حاضر بررسی جرائم تروریستی از منظر دانش جرم‌شناسی، علل و عوامل ارتکاب جرائم تروریستی، راه‌های پیش‌گیری از ارتکاب جرائم تروریستی و اقدامات انجام‌شده از سوی کشور افغانستان علیه تروریسم می‌باشد. تحقیق پیش‌رو، از نظر هدف کاربردی و به‌لحاظ روش تحلیلی-توصیفی است. داده‌های تحقیق با مطالعه کتاب‌ها، مقالات، جمع‌آوری شده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان‌دهنده آن است که توجه ویژه برای پیش‌گیری تروریسم از جمله پیش‌گیری وضعی، اجتماعی و کیفری می‌باشد. همچنین عوامل ارتکاب جرائم تروریستی اسلام‌هراسی و فرقه‌گرایی مذهبی است. تروریسم، مهمترین و اساسی‌ترین چالش امنیتی دنیای جهانی شده ما در قرن بیست و یک است. آن چیزی که تروریسم را به عنوان یک تهدید جدی مطرح می‌سازد، میزان تخریب، ارباب یا مسائل دیگر تروریسم نیست؛ بلکه نحوه پاسخگویی و واکنش به تروریسم به عنوان یک تهدید مطرح می‌باشد. عدم تناسب و مطابقت استراتژیهای طراحی شده نظامی برای مقابله و پاسخگویی به تروریسم در این جایگاه، بسیار اساسی و حیاتی است. برایناساس، اگر انطباق و سازگاری میان چالش و واکنش وجود نداشته باشد، فروپاشی تمدن از سوی تروریستها حتمی و قطعی است و این مهم، ضرورت تدوین استراتژی جهانی مناسب و متناسب با توانایی و میزان اراده و انگیزه دولتها و تروریستها را توأمان مضاعف مینماید. با وجود تصویب کنوانسیونهای متعدد تنبیهی و پیشگیرانه بین‌المللی در مقابله با تروریسم از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، وضعیت ناموفق کنونی مبارزه



با تروریسم، بیانگر این واقعیت است که چارچوب سیاسی - حقوقی مبارزه با تروریسم، ناکارآمد بوده است. ترور یکی از زشت‌ترین و خشن‌ترین اعمالی است که انسان ممکن است مرتکب شود. معمولاً ترور با هدف ایجاد ترس در میان شهروندان اجرا می‌شود و قربانیان آن افرادی برجسته و مهم در جامعه هستند. ترور کاری مذموم و ناپسند محسوب می‌شود و به علل گوناگون، برخی افراد در معرض آن قرار می‌گیرند و در این میان نیز بسیاری از خانواده‌ها، عزیزان خود را از دست می‌دهند. البته باید گفت ترور، فقط در مورد مقامات رسمی کشور اتفاق نمی‌افتد، بلکه چندسال اخیر شاهد ترور برخی از نخبگان و سرمایه‌های کشور بوده‌ایم که از دست دادن این عزیزان ممکن است برای کشور گران تمام شود و از آن به پدیده تروریسم یاد می‌شود. در نظام کیفری ایران تروریسم فاقد جرم انگاری مستقل است، در حالی که بعد از انقلاب اسلامی تعداد زیادی از هموطنان قربانی اقدامات تروریستی بوده‌اند ولی ترور جایگاهی در نظام کیفری ایران ندارد. ترور از ریشه التین ترس و به معنای ترساندن و وحشت است و در اعالمیه حقوق بشر ترور به معنای کشتار سیستماتیک و سازمان یافته تعریف گردیده است. و برخی چنین تعریف نموده اند که ترور عبارت از استفاده از خشونت برای ایجاد ترس و وحشت به عنوان وسیله ای جهت تاثیر گذاشتن بر اعمال سیاسی است. ترور در زبان فرانسه برای نخستین بار برای توصیف دولت ترور که متعاقب انقلاب فرانسه در سال ۱۸۷۱ در این کشور حاکمیت یافته بود به کار برده شد.

بخش اول: تاریخچه مبارزه با تروریسم

مبارزه با تروریسم یکی از موضوعات عمده مباحثات جامعه بین‌الملل بوده است. در پی حوادث وحشتناک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که قلب ایالات متحده را نشانه گرفت، این واقعیت آشکار شد که هیچکس از تروریسم در امان نیست و در واکنش به این حادثه بود که مباحثات راجع به تروریسم اهمیت و توسعه چشمگیری یافت. حادثه ۱۱ سپتامبر و به دنبال آن تهاجم غرب به افغانستان موجب شد تا نقش



جامعه بین‌المللی در این زمینه دیگر بار مورد توجه قرار گیرد. آگاهی روز افزون از وابستگی کشورها به یکدیگر امکان می‌دهد که دامنه بحث در خصوص دشواری‌های عمده‌ای که جهان در آینده با آن روبرو خواهد شد گسترش یابد. اما درعین حال، وحشت از تروریسم می‌تواند کشورهای ثروتمند را ترغیب کند تا فقط به فکر خود باشند و تمام توان خود را در راه حفظ امنیت خود به کار برد. رشد پدیده تروریسم در سال‌های اخیر و مطرح شدن آن به عنوان یک تهدید بین‌المللی حوزه‌های گوناگون و سازوکارهای مختلف بین‌المللی را درگیر خود ساخته است. از جمله این موارد می‌توان به حقوق بین‌المللی اشاره نمود. با عنایت به اهمیت که مباحث در جهان معاصر یافته است، در این نوشتار تلاش می‌شود که زوایایی از این پدیده پیچیده و خطرناک روشن گردد و در راستای این هدف، پس از واکاوی مفهوم تروریسم به جایگاه حقوقی، اقدامات بین‌المللی و صلاحیت قضایی دیوان جزایی بین‌المللی در رسیدگی به جرایم تروریستی پرداخته خواهد شد. ترور نوعی قتل است که با برنامه‌ریزی قبلی و با هدف مشخص، برای از بین بردن قربانی اعمال می‌شود؛ ترور یک جرم خشن است که در زمره جرایم علیه تمامیت جسمانی فرد یا افراد مورد نظر اعمال می‌شود. تروریست‌ها از اقدام به ترور، سه هدف عمده را دنبال می‌کنند، ایجاد ترس در میان شهروندان، قدرت‌نمایی و از میان بردن افراد برجسته و مهم در جامعه. کما این که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی هدف قرار دادن شهید مطهری، عضو موثر شورای انقلاب، شهید بهشتی، رئیس شورای عالی قضایی و شهیدان رجایی و باهنر به عنوان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، با همین اهداف از سوی گروهک‌های مخالف سیاسی پیگیری میشد. البته در سال‌های پس از انقلاب، ترور چهره‌های علمی هم به جمع اهداف تروریست‌ها اضافه شد، ترور چند دانشمند و چهره موثر در صنعت هسته‌ای کشور که باهدف ضربه زدن به پیشرفت علمی انجام شد، موید همین موضوع است.

بخش دوم: تفاوت ترور و عملیات انتحاری و انواع تروریسم

البته ذکر این نکته ضروری است که ترور با عامل انتحاری متفاوت است. در عملیات‌های انتحاری، سوءقصد یا قتل چهره خاصی مد نظر نیست و تنها ایجاد ترس و وحشت عمومی و برهم زدن نظم عمومی در دستور کار عاملان قرار دارد. عاملان انتحاری در صورتی که موفق به اقدام شوند، خودشان هم کشته می‌شوند و امکان تعقیب ندارند اما به طور کلی، تروریست‌های انتحاری معمولاً با تحریک گروه‌ها یا افراد خاصی اقدام به این عمل کرده و در واقع آمر به ترور یا انتحار، افراد دیگری هستند که این افراد نیز به عنوان محارب یا سردسته گروه‌های مخالف قابل تعقیب و مجازات هستند.

برخی تروریسم را، اقتضای انگیزه‌های ارتكابی به تروریسم مذهبی، تروریسم سیاسی و تروریسم اقتصادی و سایبری) که عبارت است از بهره‌گیری از اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای با هدف نابود ساختن زیربنای یک جامعه مانند انرژی، حمل و نقل، فعالیت‌های دولتی و تاثیر گذاشتن بر یک دولت، شهروندان و گروه‌ها و... تقسیم می‌کنند. اما در نگاهی کلی بهترین نوع از این تقسیم‌بندی را می‌توان تقسیم‌بندی تروریسم به چهار شکل: یک - تروریسم دولتی که در این شکل از ترور سازمان‌های دولتی و حکومتی خود به کشتار شهروندان می‌پردازند مانند عملکرد رژیم‌های مستبد و دیکتاتور در قبال شهروندان. دو - تروریسم بین‌المللی که در آن تروریست‌ها با پشتیبانی از برخی از دولت‌ها اقدام به عملیات تروریستی در دیگر کشورها می‌کنند از جمله پشتیبانی فائزهای لبنانی از سوی رژیم غاصبگر اسرائیل در برابر مردم لبنان. سه - تروریسم محلی که در آن تروریست‌ها در داخل کشور خود بر ضد حکومت دست به عملیات تروریستی می‌زنند مانند فتنه ۷۷ در ایران. چهار - تروریسم بین‌المللی که در قالب آن تروریست‌هایی از ملت‌های مختلف در کشورهای دیگر اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند مانند



عملیات تروریستی داعش در کشورهای عراق و سوریه .ب) تروریسم و جامعه جهانی : تروریسم عالوه بر آنکه باعث نقض حقوق بشر مبنی بر حیات و آزادی و امنیت شخصی است که مقدمه ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان اشاره دارد ناقض میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز می باشد که در آنها حق بر آزاد بودن از ترس و واهمه مورد تاکید قرار گرفته است .عده ای تروریسم را جرمی علیه حقوق بشر می دانند و معتقدند که ارتکاب جرایم تروریستی صالحیت جهانی ایجاد می کند و مرتکبان این جرایم در هر جای دنیا که باشند بایستی به محاکمه کشیده شوند .یکی از اصول مهم شناخته شده در قوانین بین المللی اصل صالحیت جهانی است. مفاد این اصل که در ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۱۲ نیز بیان شده است به طور خاص و موردی در قانون مبارزه با حمایت مالی از تروریسم نیز مطرح شده است. ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۱۲ مقرر میدارد : مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه میشود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می گردد. از جمله جرایمی که مشمول این ماده می شود بدین صورت که در هر کشوری یافت گردد مرتکبش در همان جا محاکمه می شود تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر، دزدی دریایی و مثال هایی از این قبیل است. نکته ای که در این ماده وجود دارد آن است که در خصوص این جرایم نیاز به وجود قانونی خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی است. این عهدنامه ها و مقررات بین المللی شامل اسنادی است که کشور جمهوری اسلامی ایران به آنها ملحق شده و مجلس شورای اسلامی نیز آن را تصویب کرده پذیرفته است. و در ماده ۱۱ قانون مبارزه با حمایت مالی از تروریسم این اصل بدین شکل مقرر شده است که در مواردی که به موجب معاهدات بین المللی الزم

الجزا برای جمهوری اسلامی ایران رسیدگی به جرایم موضوع این قانون هر یک از کشورهای عضو معاهده باشد و متهم در ایران یافت شود محاکم ایران طبق این قانون صالحیت رسیدگی دارند. نکته دیگری که از این اصل جهانی که از ماده مزبور برداشت می شود آن است که امکان محاکمه غیابی در این فرض وجود ندارد و شرط یافت شدن متهم در ایران الزم است. شایان ذکر است که با توجه به وجود چنین اصلی در قوانین بین المللی و پذیرفته شدن آن در کشور جمهوری اسلامی ایران مقتضی است با مطالعه دقیق و موردی از پدیده تروریسم نسبت به اعمال سیاست تقنینی و تعیین نحوه دادرسی کوشید تا خلئی در این زمینه احساس نگردد. پ(تروریسم و ارتباط با جرم سازمان یافته : اصطلاح جرم سازمان یافته ابتدا در نوشته های جرم شناسی مطرح شد و نخستین بار ادوین اچ ساترلند جرم شناس معروف آمریکایی در سال ۱۱۲۴ میلادی در کتاب مشهور خود تحت عنوان اصول جرم شناسی به آن اشاره کرده است. ساترلند در مقام توصیف جرم سازمان یافته بر اساس مطالعات خود در کشور آمریکا به دو نکته تاکید میکند اول اینکه روابط بین بزهکاران با سازمان و تشکیلات ممکن است حاصل جمع منافع یا حاصل رویه و عملکرد عده ای بزهکار باشد که به شکل هدایت شده و حول یک عملکرد به توافق رسیده باشند. اگرچه برخی از سازمان های مشروع با گذشت زمان تبدیل به سازمان های جنایی با تشکیلات مجرمانه می گردند و دوم آنکه شکل های جنایی برای اینکه با موفقیت قرین باشند باید بتوانند با نمایندگان حکومت رابطه برقرار نمایند و در آنها نفوذ کنند. با وجود یک دولت قوی و سالم، تشکل سازمان یافته هر چقدر هم قوی باشد موفق به استمرار حرکت خود نخواهد شد. عاملی که ساترلند روی آن تاکید دارد این است که سازمان های جنایی زمانی تشکیل می شوند که بحرانی در کشور وجود داشته باشد. از نظر گسن جرم سازمان یافته نتیجه اراده ناشی از تبانی و مشاوره چند فرد با هم برای ارتکاب یک یا چند

اقدام جنایی و به منظور تصاحب اموال دیگران است. مانند دزدی با هتک حرمت و سرقت در هتل ها و کالهدرداری و جعل .اما دراینکه بتوان تروریسم را جرمی سازمان یافته تلقی نمود یا خیر جای بحث فراوان است. با توجه به ماده ۱۳۱ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۱۲ جرم سازمان یافته شامل گروه مجرمانه ای است که این گروه نسبتا منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر برای ارتکاب جرم تشکیل می شوند یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می گردد. با این تعریف به راحتی می توان برداشت کرد که جرمی سازمان یافته محسوب می شود و می توان به آن اطالق گروه مجرمانه کرد که دارای سه نفر عضو یا بیشتر باشد که پیش از تشکیل در راستای ارتکاب جرم گام نهاده یا آنکه پس از تشکیل با تغییر رویکرد خویش در جهت ارتکاب جرم حرکت نمایند. تفاوت هایی که از مقایسه تروریسم و جرم سازمان یافته می توان برداشت نمود آن است که عملیات تروریستی که با دو عضو صورت پذیرد جرم سازمان یافته تلقی نخواهد شد، ضمن آنکه بسیاری از جرایم سازمان یافته به صورت پنهانی رخ میدهند و مجرمین آن به سختی قابل شناسایی هستند. لیکن مرتکبین جرایم تروریستی به نحو آشکار اقدام به چنین عملیاتی می نمایند. و همچنین تروریسم همواره با نوعی خشونت و اعمال خرابکارانه همراه است. اما جنایت سازمان یافته غالبا بدون خشونت صورت میگیرند. و جز در موارد ضروری از این حربه استفاده نمی شود .ونیز هدف گروه های تروریستی کسب قدرت است و اغلب در حمایت مردم با دولت ها در رقابت هستند و سعی می کنند اعمال خشونت از ناحیه خود را به نحوی توجیه کنند و اغلب مواقع در محاکم با غرور وافتخار به اعمال ارتكابی خود اقرار می کنند و خواست آن هستند که اقدامات آنها تحت پوشش رسانه ها قرار گیرد و آن را وسیله ای برای پیشبرد اهداف خود می دانند در حالی که گروه های سازمان یافته از این امر اجتناب می نمایند .

بخش سوم: مجازات ترور در نظام حقوق داخلی

اگر شخص یا گروهی با هر وسیله‌ای اقدام به ترور شخصی کنند یا مرتکب یکی از اعمال گفته شده در بالا شوند، از نظر قانون محاکمه و مجازات می‌شوند. در قانون مجازات اسلامی، ترور و تمایز آن با محاربه هم مانند سایر موارد قتل و ضرب و جرح عمدی دانسته شده و برای آن همان مجازات قتل عمد در نظر گرفته شده است. البته در ماده ۵۱۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵)، سوءقصد به جان رهبر و هریک از روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، چنانچه محارب نباشد، دارای سه تا ده سال حبس دانسته شده است. همچنین بر اساس ماده ۵۱۶ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، «هرکس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می‌شود.» البته در تبصره ماده ۵۱۶ به این نکته اشاره شده است که اگر «سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.» در واقع قانونگذار، جرم سوءقصد به مقامات داخلی یا خارجی را به صورت یک جرم مشخص، تعیین کرده و در صورتی که این سوءقصد منجر به قتل یا ضرب و جرح شود، برای آن قصاص و دیه هم در نظر گرفته است. نکته جالبی که در این خصوص وجود دارد این است که سوءقصد به سایر مقامات و شخصیت‌های سیاسی، اگر منجر به قتل یا ضرب و جرح نشود، فاقد وصف کیفری بوده و شاید تنها بتوان به عنوان اقدام علیه امنیت ملی یا برهم زدن نظم عمومی، عامل ترور را مجازات کرد. البته نکته مهمی در که خصوص جرم‌انگاری ترور و تمایز آن با محاربه در قوانین جزایی ایران وجود دارد این است که همانطور که در ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده، سوءقصد یا ترور مقامات ممکن است به عنوان جرم محاربه قابل تعقیب و مجازات باشد. کما اینکه «آشکار کردن سلاح به

قصد ترساندن مردم» به تنهایی شامل جرم محاربه بوده و می‌تواند حد محاربه را برای عامل ترور به همراه داشته باشد. فارغ از اینکه ترور به نتیجه برسد یا نرسد. اگر شخص یا گروهی با هر وسیله‌ای اقدام به ترور شخصی کنند یا مرتکب یکی از اعمال گفته شده در بالا شوند، از نظر قانون محاکمه و مجازات می‌شوند. در قانون مجازات اسلامی، ترور هم مانند سایر موارد قتل و ضرب و جرح عمدی دانسته شده و برای آن همان مجازات قتل عمدی در نظر گرفته شده است. البته در ماده ۵۱۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵)، سوءقصد به جان رهبر و هریک از روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، چنانچه محارب نباشد، دارای سه تا ده سال حبس دانسته شده است. همچنین بر اساس ماده ۵۱۶ همان قانون نیز، «هرکس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می‌شود. البته در تبصره ماده ۵۱۶ به این نکته اشاره شده است که اگر «سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد. در واقع قانونگذار، جرم سوءقصد به مقامات داخلی یا خارجی را به صورت یک جرم مشخص، تعیین کرده و در صورتیکه این سوءقصد منجر به قتل یا ضرب و جرح شود، برای آن قصاص و دیه هم در نظر گرفته است. البته نکته مهمی در که خصوص جرم‌انگاری ترور در قوانین جزایی ایران وجود دارد این است که همانطور که در ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده، سوءقصد یا ترور مقامات ممکن است به عنوان جرم محاربه قابل تعقیب و مجازات باشد. کما اینکه «آشکار کردن سلاح به قصد ترساندن مردم» به تنهایی شامل جرم محاربه بوده و می‌تواند حد محاربه را برای عامل ترور به همراه داشته باشد؛ فارغ از اینکه ترور به نتیجه برسد یا نرسد.



بخش چهارم: مرجع صالح به رسیدگی به جرم تروریسم

به موجب ماده ۳۱۳ از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب، ۱۳۱۲ رسیدگی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در صالحیت دادگاه انقلاب اسلامی می باشد و به عنوان استثنای وارد بر این اصل کلی مطابق ماده ۱ از قانون مبارزه باحمایت مالی تروریسم مصوب ۱۳۱۴ رسیدگی به جرایم موضوع قانون مبارزه باحمایت مالی تروریسم در صالحیت دادگاه کیفری یک مرکز استان است ! لذا دادگاه انقلاب اسلامی دراین خصوص، صالح به رسیدگی نیست. حال سوالی که اینجا مطرح میگردد آن است که چنان چه فردی از طریق تسهیل ارتکاب جرایم تروریستی برای فرد تروریست معاونت نماید آیا به جرم معاون در دادگاه کیفری یک مرکز استان و به جرم مباشر در دادگاه انقلاب اسلامی رسیدگی خواهد شد ؟ و آیا می توان با استناد به ماده ۳۱۱ از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۱۲ که مقرر میدارد: شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می شوند که صالحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد بیان نمود که قسمت اخیر این ماده به صالحیت دادگاه های مختلف در رسیدگی به جرایم مباشر و معاون اشاره دارد و از این حیث ایرادی در نحوه قانونگذاری احساس نمیگردد؟ در پاسخ باید بیا نمود این ماده به صالحیت اضافی که استثناء بر صالحیت محلی است اشاره دارد درحالیکه دادگاه انقلاب و کیفری یک به لحاظ صالحیت ذاتی از یکدیگر متمایز هستند لذا بنظر میرسد که در توجیه صالحیت رسیدگی مجزا به جرم معاون و مباشر جرم تروریستی نمی توان به استثنای مقرر در قسمت اخیر ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری استناد نمود. چه بسا که بهتر می بود با توجه به فلسفه تأسیسی دادگاه انقلاب اسلامی در رسیدگی به جرایم مباشر و معاون جرایم تروریستی این دادگاه مرجع صالح اعالم میگردد. امید است در نحوه قانونگذاری اصول دادرسی کیفری و



صالحیت رسیدگی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

• نظام حقوق بین الملل و تروریسم

الف - اقدامات بین المللی مقابله با جرم تروریسم :

از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی، تعریف و نحوه مقابله با تروریسم بین الملل به طور همزمان مورد توجه مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفت. فعالیت های جامعه بین المللی را در خصوص پدیده تروریسم، از دو جهت می توان مورد اشاره قرار داد. یکی از جنبه تروریسم شناسی و تعریف تروریسم است که آن را می توان در قطعنامه های مجمع عموم در خصوص تروریسم یافت. از سوی دیگر از جنبه بررسی شیوه برخورد و مقابله با تروریسم و ساماندهی اقدامات ضد تروریستی است که آن را نیز می توان در میان قطع نامه های شورای امنیت یافت. بر اساس تعیین ملاک مجمع عمومی سازمان ملل متحد، جنایی بودن اقدامات تروریستی و ایجاد وحشت عمومی کردن به عنوان دو ملاک اصلی مورد تأکید قرار گرفته است و در این چارچوب مصادیق تروریستی در قالب کنوانسیون های سیزده گانه در چارچوب موضوع تروریسم نگاشته نشده است؛ اما قطعنامه ضد تروریستی سازمان ملل همگی بر این کنوانسیون ها در تعیین و شناسایی تروریسم تأکید دارند. تعریف ارائه شده در اعلامیه سال ۱۹۹۴ در خصوص معیارهای محو تروریسم بین المللی، حاکی از وجود سه عنصر اصلی تروریسم می باشد که عبارتند از: (۱) فعل ارتكابی باید به موجب حقوق بین الملل جرم باشد، (۲) این فعل برای ایجاد حالت رعب و وحشت در میان عامه مردم یا اشخاص یا گروه هایی از اشخاص ارتكاب یافته باشد، (۳) این فعل باید با انگیزه های سیاسی ارتكاب یافته باشد. این رویکرد مشکلات محتوایی بسیاری در خود دارد. اولین و مهم ترین این موارد تحدید تروریسم به اقدامات با اهداف سیاسی است. با این وصف، دیگر نمی تواند حرکات ماهیتاً تروریستی با



اهداف اجتماعی، مذهبی و ایدئولوژیک در چارچوب تروریسم قرار بگیرد. همان گونه که ذکر شد این خلاف اصول حقوقی و ذات حقوقی تروریسم است که با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم باشد و منجر به آن نیز شود. در این حال داشتن انگیزه سیاسی، مذهبی، اجتماعی و ... نمی تواند منوط اعتبار باشد. (امیر ارجمند ۱۳۸۶، ۹۴) از میان قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد نیز قطعنامه ۱۳۷۳ در واکنش به حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر بر روی این مسئله بسیار تأکید کرده است. به موجب بند ۱ این قطعنامه هرگونه ارائه خدمات مالی به تروریست ها منع شده است و دولت ها نیز تعهد به عدم حمایت مالی از تروریست ها دارند. همچنین نباید دول محیطی امن برای تروریست ها فراهم آورند و در صورت لزوم موظفند در محکمه های داخلی شان به محاکمه تروریست ها بپردازند و باید تمام تلاش خود را در جهت پیش گیری از جرائم تروریستی به منصفه ظهور برسانند. در کل می توان گفت در بررسی معاهدات ضد تروریسم به این نتیجه می رسیم که تمامی این معاهدات دارای ساختاری مشابه بوده و در تهیه و تدوین آن ها از یک الگو تبعیت گردیده است. گرچه سند حقوقی واحد در مورد تروریسم وجود ندارد، اما کنوانسیون های ضد تروریسم هر یک اشکال مختلف تروریسم را مورد توجه قرار داده اند. همچنین از سویی دیگر تمامی کنوانسیون های ضد تروریسم، ضمن دارا بودن مبنای حقوقی مستحکم جهت اقدام علیه اعمال تروریستی، با ایجاد یک سیستم اجرایی مؤثر، زمینه اعمال مجازات را نسبت به مجرمان فراهم آورده اند. (آلن بیرو، ۱۳۷۵، ۶۵)

ب - صلاحیت قضایی دیوان بین المللی کیفری در مقابله با جرم تروریسم :

با توجه به گسترش حرکات تروریستی در چنددهه اخیر و هرچه بیشتر خطرناکتر شدن آن، علاوه بر تصویب کنوانسیون ها و قطعنامه های متعدد صادره از مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت، اهتمام بر این شد که تروریسم در



اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ و متعاقب آن تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری مورد پیش‌بینی و دقت نظر قرار گیرد؛ اما این دقت نظر صرفاً ناظر به مرتکب جرم تروریستی است نه خود جرم تروریسم. دلیل آن نیز روشن است؛ همانطور که قبلاً نیز ذکر آن گذشت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا تروریسم ملحق به جنایات جنگی شده است و به لحاظ ماهوی در حال حاضر ذیل ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ رم قرار می‌گیرد. در رد این اقدام غیرعالمانه باید چنین استدلال کرد که الحاق یک موضوع مباین با ذات یک ماهیت به آن ماهیت در جهت نیل به یک هدف خارج از گستره شمول آن ماهیت، شایسته علم حقوق نیست و آن را از چارچوب منطقی و سپس حقوقی خارج می‌سازد و نتیجه همان می‌شود که در سطح بین‌المللی شاهد آن هستیم، یعنی ناکامی در مقابله با تروریسم. به عبارت روشن‌تر تروریسم که با استدلال‌های فوق‌الذکر مابینت ذاتی با جنایت جنگی دارد، ملحق به جنایت جنگی دانسته شده تا مرتکب آن قابل رسیدگی در دیوان بین‌المللی کیفری باشد. برای نیل به این هدف می‌توان کاری کرد که از یک سو به لحاظ منطقی و علمی خدشه‌ای به ماهیت جرم تروریسم وارد نشود و از سوی دیگر مرتکب آن در دیوان بین‌المللی کیفری مورد رسیدگی قرار گیرد. این اقدام چیزی نیست جز این که تروریسم را یک جرم ضدبشری بنامیم. امتیاز بارزی که در این حالت به بار خواهد آمد این است که مرتکب به لحاظ ارتکاب جرم تروریسم در دیوان بین‌المللی کیفری مورد پیگرد خواهد بود و این گونه گام بزرگی در خصوص نظریه پردازی در خصوص تروریسم برداشته خواهد شد و چه بسا جامعه بین‌المللی از میان متون آراء و تحلیل‌های دیوان به یک راه حل کارساز در مقابله با تروریسم دست یابد. مبنای جرم‌انگاری جنایات علیه بشریت، حمایت از حقوق بشر است تروریسم نیز آنچه را که مورد حمله قرار می‌دهد حقوق بشر و ارزشهای مورد پسند حقوق بشر است. اگر بتوان گفت اقدام تروریستی در



چارچوب تعریف جرائم ضدبشری مصرح در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد و جرمی است که دیوان کیفری بین‌المللی به‌طور غیرمستقیم، در مورد آن از صلاحیت قضایی ویژه برخوردار است، این معنا برداشت می‌شود که دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به تروریسم صلاحیت قضایی دارد. البته به این نظر نیز ابهاماتی وارد است که مهم‌ترین آن عبارت است از این نکته که اگر تصمیم بر آن بود که تروریسم در حیطه ماده ۷ قرار گیرد، مرتکب چنین اقداماتی می‌توانست به‌طور بحث‌برانگیز با موفقیت به این استدلال تکیه کند که اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها نقض شده است. بند دوم ماده ۲۲ اساسنامه دیوان جزایی بین‌المللی مقرر می‌دارد: «تعریف جرم به‌طور دقیق و مضیق تفسیر خواهد شد و بر اساس تشابه گسترش نخواهد یافت. در صورت ابهام، تعریف به نفع شخص تحت بازجویی، تحت محاکمه یا محکوم شده تفسیر خواهد شد. (اردبیلی، ۱۳۸۴، ۴۶) در پاسخ می‌توان گفت، طبقه‌بندی مظاهر خاص تروریسم به‌عنوان جرائم ضدبشری، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها را نقض نمی‌کند. مادامی که مظاهر تروریسم مورد بحث، شرایط وجود جرم خاص که جرم ضدبشری تلقی می‌شود و عناصر جرائم جنگی، جرائم ضدبشری را افاده کنند، طبقه‌بندی این مظاهر به‌عنوان جرم ضدبشری، ناعادلانه نیست، هرچند طرز تفکر جدیدی را ارائه کند. بنابراین، جرم یا قانون جدید ایجاد نمی‌شود، بلکه طبقه‌بندی مظاهر خاص تروریسم به‌عنوان جرائم ضدبشری، نوعی سازگاری گسترده از برخی اجزای حقوقی احکام کیفری با شرایط اجتماعی جدید است. ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر می‌دارد: «منظور از جنایات علیه بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد: الف) قتل؛ ب) ریشه کن کردن؛ ج) به بردگی گرفتن؛ د) تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت؛ ه) حبس کردن

یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود؛ و) شکنجه؛ ز) تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحش‌ای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آن‌ها؛ ح) تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت یا علل دیگر در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان که در سراسر جهان به موجب حقوق بین‌الملل غیر مجاز شناخته شده است؛ ط) ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ ی) جنایت تبعیض نژادی؛ ک) اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد. واقعیت این است که تروریسم ذاتاً یک جرم ضدبشری است و می‌تواند ذیل مفاد ماده ۷، علی‌الخصوص بند «ح» آن قرار گیرد. البته غافل از آن نیستیم که با توجه به اهمیت جرائم تروریستی، شایسته است که به صورت مصرح در ماده ۷ اساسنامه درج شود. ذکر این نکته بسیار مفید است که جنایت علیه بشریت به هیچ وجه ارتباطی به وقوع جنگ ندارد برخلاف جنایت جنگی. این همان وجه تفاوت تروریسم با جنایت جنگی است که وجه مشابهت آن با جنایت علیه بشریت است. به همین دلیل است که یکی از حقوق‌دانان چنین عنوان می‌دارند: «این ماده شباهت زیادی به بند «ج» ماده ۶ منشور نورنبرگ، ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا دارد، جز این که منشور نورنبرگ و اساسنامه محکمه یوگسلاوی سابق، پیوند جنگ و جنایت علیه بشریت را لازم دانسته بودند که در این ماده و همچنین ماده ۳ اساسنامه رواندا چنین پیوندی لازم نیست. (اردبیلی، ۱۳۸۴، ۴۶) نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نوعی از اشکال تروریسم یعنی گروگان‌گیری نیز در دیوان بین‌الملل کیفری مورد بررسی قرار



می گیرد. پس با این وجود می توان چنین ادعا کرد که شکل خاصی از تروریسم نیز در دیوان بین الملل کیفری مورد رسیدگی قرار می گیرد. پس به اعتبار این که تروریسم در قالب چه اقداماتی به منصفه ظهور می رسد، محکمه صالح برای رسیدگی به آن می تواند متفاوت باشد. اگر تروریسم در قالب گروهان گیری باشد قابل محاکمه در دیوان بین الملل کیفری است. در نهایت؛ با توجه به تعاریفی که ارائه شد، برای این که یک عمل تروریسم نامیده شود، بایستی رکن معنوی آن یعنی قصد ایجاد رعب و وحشت عظیم حداقل در میان گروهی از مردم، در عمل رخ داده باشد و یا ضمناً از عمل وی فهم شود. نکته ای که از این مورد می توان دریافت، این است که اگر شخصی با هر عقیده ای مرتکب کشتن یک فرد سیاسی شود، به لحاظ حقوقی تروریست نیست، مگر این که عمل وی به قدری وحشیانه باشد که ایجاد رعب و وحشت جدی بکند. از دید سیاستمداران او یک تروریست جنایت کار است، اما این دید افراطی به شخص مرتکب نه یک دید حقوقی، بلکه یک دید سیاسی حزب گرا و سیاست زده است. از لحاظ علم حقوق که عدالت چارچوبه ذاتش است، این شخص دارای افکاری شاید افراطی است که از نظر خود یک «قاتل سیاسی است» نه یک تروریست. علم حقوق با نگرشی که به تروریسم دارد نیز موید این امر است. در ارائه تعریف دقیق از تروریسم دو نکته باید مد نظر قرار گیرد: یکی بسط و توسعه مفهوم تروریسم است؛ یعنی تروریسم به نحوی تعریف نشود که جرائم دیگری را که باید جرم عادی تلقی شده و فی نفسه مورد مجازات قرار گیرند، شامل شود. دیگر این که تعریف ارائه شده، حقوق و آزادی های بنیادین از جمله حقوق بشر به رسمیت شناخته شده در پیمان های بین المللی را به خطر نیندازد.

نتیجه گیری

از نظر لغوی، تروریسم از کلمه ترور گرفته شده که در زبان فرانسوی به معنای خوف و وحشت است و تروریسم به معنای هراس افکنی، وحشت افکنی یا دهشت افکنی می باشد. ولی در اصطلاح تعاریف متعدد و گوناگونی از تروریسم ارائه شده است. وزارت دفاع ایالت متحده در سال ۱۹۹۰ میلادی تروریسم را چنین تعریف نموده است: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می گیرد.» دانشنامه بریتانیا نیز از تروریسم چنین تعریف ارائه نموده است: «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش بینی ناپذیر بر ضد حکومت ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است.» فرهنگ حقوقی به لک تروریسم را چنین تعریف می نماید: «تروریسم استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت برای ارباب یا ایجاد ترس خصوصاً به عنوان وسیله ای برای تأثیر گذاشتن بر رفتار سیاسی می باشد.» با اینکه هیچ توافق کلی روی تعریف واحد از تروریسم وجود ندارد؛ ولی سه محور اصلی در تروریسم به نظر می رسد: اول، تروریسم همراه با خشونت یا تهدید به خشونت است. دوم، تروریسم یک پدیده ی معنادار و حامل پیامی است. سوم، تروریسم دارای عقلانیت سودمحور است. جنبه ی خشونت آمیز تروریسم بر هیچ کس پنهان نیست. در این میان، گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بیش از هر گروهی دیگر دست به خشونت می زند. زنده آتش زدن افراد، اعم از زن و مرد، زشت ترین، غیر انسانی ترین و خشن ترین چهره ای این گروه را به نمایش می گذارد.



منابع و مآخذ

- پروین، خیرالله، تأثیر جهانی شدن و تحولات بین‌المللی بر حاکمیت و استقلال دولت‌ها، سیاست، شماره ۱۳۸۹، ۴.
- پیس، کن، جایگاه پیش‌گیری نخستین از جرم در انگلستان، ترجمه مهدی صبوری پور، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره ۱۱، سال ۱۳۹۲.
- تن، کیون هون و سلطانی، علی، پیش‌گیری از طریق طراحی محیط، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، شماره ۳، سال ۱۳۹۵.
- جلالی فراهانی، امیر حسین، پیش‌گیری وضعی از جرائم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر، مجله‌ی فقه و حقوق، شماره ۷، ۱۳۹۴.
- جمشید، محمد حسین و محمد جواد قربی، «جهانی شدن و تحول مفهوم تروریسم»، فصلنامه چالش‌های جهان، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹.
- خدابنده، محمد، تحول تروریسم در عصر جهانی‌شدن در چهارچوب امنیت پست‌مدرن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان.
- رحمت، محمدرضا، نقش طراحی محیط در پیش‌گیری از جرم، فصلنامه علمی پژوهشی گواه، شماره ۸، ۱۳۸۵.